



وابستگی معاد به حقیقت انسان / مثال های قرآن درباره معاد

مسئله معاد، رابطه نزدیکی با حقیقت انسان دارد و حقیقت انسان همان روح غیر مادی است که در تمام دوران زندگی مادی حقیقت آن ثابت و در لحظه مرگ نیز فرشته وحی آن را از انسان می ستاند.

مسئله معاد، رابطه نزدیکی با حقیقت انسان دارد و حقیقت انسان همان روح غیر مادی است که در تمام دوران زندگی مادی حقیقت آن ثابت و در لحظه مرگ نیز فرشته وحی آن را از انسان می ستاند. به گزارش خبرگزاری مهر، معاد از نظر لغوی به معنای بازگشتن است و در اصطلاح به معنای دوباره زنده شدن آدمی پس از مرگ است. معاد ارتباط تنگاتنگی با حقیقت انسان دارد و هر نظریه ای که در باب حقیقت انسان پذیرفته شود، در آن تاثیر می گذارد.

از معنای معاد برمی آید که باید حقیقت ثابتی در انسان باشد که بازگشت کند. اگر حقیقت ثابت را باور نکنیم، نمی توانیم تصور صحیحی از معاد به اندیشه آوریم. اگر انسان به کلی نابود شود و انسان جدیدی پدید آید که هیچ وجه مشترکی با او ندارد، بازگشت انسان اولی معنا ندارد.

ازاین رو، از بحث های لازم در حوزه معاد بحث درباره حقیقت انسان است. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی دو ساحتی است، ترکیبی از بدن مادی و حقیقتی به نام نفس که روح انسانی. حقیقت انسان همان روح او است که با متلاشی شدن بدن مادی باقی است. این حقیقت روح حتی در طول ده ها سال زندگی دنیوی انسان ثابت و باقی است، هر چند که اعضای بدن آدمی تغییر کند یا عضو جدیدی به آن پیوند شود. انسان این وحدت و شخصیت ثابت را با علم حضوری خطاناپذیر درک می کند.

مسئله معاد، رابطه نزدیکی با حقیقت انسان دارد. حقیقت انسان همان روح غیر مادی است که در تمام دوران زندگی مادی حقیقت آن ثابت و در لحظه مرگ نیز فرشته وحی آن را از انسان می ستاند و دوباره بدن مادی به آن حقیقت ثابت ملحق می شود. همچنین نمونه هایی از معاد را که قرآن بیان می دارد، می تواند، شاهدی بر این مدعا باشد.

خداوند در قرآن به نمونه های مشابه معاد اشاره می نماید تا روشن گردد که خدا، قدرت آن را دارد که دوباره انسانها را زنده کند همان گونه که خلقت اولیه آنها نیز به دست خدا بوده است. با این که این نمونه ها، شاهدی است بر این که انسان ها به طور ملموس پدیده معاد را بنگردند تا اطمینان قلب پیدا کنند هر چند که با استدلال و تعقل به آن رسیده اند با این که خود این نمونه ها، بهترین دلیل بر وقوع معاد است.

- زنده شدن پرندگان

مفسران اسلامی نقل می کنند که حضرت ابراهیم(ع) از کنار دریایی می گذشت. مردی را دید که کنار دریا افتاده، قسمتی از بدنش در آب و قسمتی دیگر بیرون است و حیوانات دریایی و خشکی از دو طرف هجوم آورده او را می خورند و اجزای بدنش از هم پاشیده است. دیدن این صحنه او را به تفکر در معاد و داشت که چگونه بار دیگر زنده می شود، از خدا خواست تا کیفیت زنده شدن مردگان را پس از متلاشی شدن اجزای آنها، برای او بنمایاند.

شکی نیست که حضرت ابراهیم(ع) از طریق عقل و وحی به معاد آگاه بود و به آن ایمان داشت، ولی برای یقین بیشتر و اطمینان قلبی چنین درخواستی را مطرح نمود. قرآن در این باره سوره بقره، آیه 260 می فرماید؛ به یادآور هنگامی که به ابراهیم گفته شد: مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد: چرا، ولی می خواهم قلم آرامش یابد. خدا فرمود؛ پس چهارپرنده را انتخاب کن و آنها را پس از ذبح کردن قطعه قطعه کن و درهم بیامیز. سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را بگذار. آن گاه آنها را فراخوان، شتابان به سوی تو می آیند و بدان که خدا توانا و حکیم است. از این آیه به خوبی بر می آید که خدا، در روز قیامت، قادر است انسانها را بعد از متلاشی شدن بدنشان، دوباره زنده کند.

-اصحاب کهف

فرمانروایی به نام دقیانوس در سالهای 249 تا 251 م. بر روم حکومت می کرد. چون بر شوکت و جلال و جبروتش افزوده شد، با سرکشی هرچه تمام ادعای ربوبیت کرد و سران قوم را به اطاعت فرا خواند. هر کس خدایی او را می پذیرفت، مال فراوان به او می بخشید و هر کس که از او پیروی نمی کرد می کشت. گروهی از جوانان پاکدامن برای فرار از دست حاکم جبار شهر به بهانه شکار شهر را ترک کردند و سگی نیز همراه داشتند به غاری رسیدند و به آن پناه بردند. مشیت الهی بر این تعلق گرفت که بیش از 300 سال در غار به حالت خواب بمانند. پس از بیداری پنداشتند يك یا نیم روز بیشتر درنگ نکرده اند. قرار شد یکی از آنان برای تهیه غذا به شهر برود او پس از ورود به شهر همه چیز را تغییر یافته دید، ماجرای برایش پیش آمد و او را نزد پادشاه بردند و در نهایت متوجه شدند که او از کسانی است که در چند صد سال پیش ناپدید شده اند، زیرا حادثه ناپدید شدن آنها سینه به سینه نقل و احیاناً در کتابهای تاریخ ثبت شده بود.

مردم شهر با دیدن این حادثه، درس بزرگی درباره معاد آموختند، زیرا فهمیدند که زنده شدن مردگان در روز رستاخیز امر آسانی است قرآن در این باره در سوره کهف، آیه 21 می فرماید؛ بدین سان مردم را متوجه حال آنها "اصحاب کهف" کردیم تا بدانند وعده خدا حق است و در فرا رسیدن قیامت هیچ شکی نیست.

-زنده شدن مردگان به دست عیسی(ع)

آیات قرآن به روشنی دلالت دارند که حضرت عیسی(ع) مردگان را به اذن خدا زنده می کرده و نابینایان را شفا می بخشیده است.

-رویش گیاهان

رویش گیاهان پس از خشکی و مردگی مانند زنده شدن انسان پس از مرگ است. تامل در این پدیده، که همواره در پیش چشمان انسانها رخ می دهد، برای آنان کافی است تا به امکان حیات خود پس از مرگ پی ببرند. ولی بسیاری از این پدیده عای و متعارف غافلند. قرآن در این باره در سوره روم، آیه 50 می فرماید: به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند. چنین کسی زنده کننده مردگان در قیامت است و او بر همه چیز تواناست.

